



۲۰۱۶/۱۲/۱۶



احسان لمر

## بابا عبدالعزيز الكوزائي (24)



يکي ديگر از عياران واقعي و مبارزين آزادي خواه، بيدار گر انقلابي، خجسته مرد دموکرات، مشروطه خواه، بي هراس و قاطع که دو دوره زندان سياسي رژيم هاي کشور را هم ديد **بابا عبدالعزيز الكوزائي** پسر عطا محمد الكوزائي ميباشد.

**بابا عبدالعزيز** در فاميل دانشمند و دانش پروري رشد يافته و بزرگ شده بود چنانچه مينويسند که: " جوان دانشمند خوش نويس ماهري بود و در مطبعه کابل در حدود 1323 ق (1905 م) به حيث مصحيح ( درست و اصلاح کننده) چاپ سنگي کار ميکرد و خط نستعليق و نسخ را از دست چپ برآست هم خوانا و زيبا مينوشت." 1

اين فرخنده دانشمند با درد و احساس هم همچون صدها عيار ديگر به نهضت مشروطيت اول پيوند داشت و به قول مورخين کشور تصادفاً در ليست نام دهندگان از قلم مانده و زنداني نشد اما با اشتراک در مشروطيت دوم در (1917 م) زنداني شده بعداً در (1919) آزاد گشت.

بابا حدود هشت سال مدير اخبار « طلوع افغان» بود و در (15 مارچ 1922) به جواب جريده وابسته به دستگاه حكومتي هند بریتانوي يعني « بلوچستان گزت » مقاله شديد لحنی نوشت. بعداً حبيب الله طرزی ( پسر سردار گل محمد طرزی برادر بزرگ محمود طرزی ميباشد که در اولين بازگشت محمود به وطن همراه با او بود) به بابا مکتوب فرستاد که مقالات شديد لحن جنجال آور ميباشد. **بابا عبدالعزيز** جوابيه شديد تر عنوان وزارت خارجه نوشت، و حبيب الله طرزی مکتوبي را مسوده نموده نزد محمود طرزی برد تا امضا نمايد وقتاً طرزی وزير خارجه آنرا ملاحظه نمود گفت: " ميخواهي اين مکتوب را من امضا کنم؟ به جواب گفتند که چون به وزارت خارجه تعرض کرده شما بايد امضا نمايد محمود طرزی به جواب گفت: " نزد من اين چوکی و اين مقام ارزشي ندارد و در مقابل مسلک من که ژورناليزم است به توتي نه می ارزد. من هم مثل او جريده نگارم و هرگز بخود اجازه نه می دهم که در مقابل کوليج خودم ( يعني همکار) چنين یک چيزی را بنويسم " و بعداً محمود طرزی بقلم خود ش به بابا عبدالعزيز نوشت: " عزيز جان عزيزم ! جواب خوب دندان شکن به ياره سراني آن جريده انگليس داده ای بارک الله." 2

بابا در دوره حبيب الله کلکاني محبوس گرديد و در ( 1309 ش - 1930 م) به حيث وکیل شهر قندهار انتخاب شد ولی به انتصاب عبدالاحد خان وردک ماهيار از جانب دولت بحیث رئيس شورا مخالفت نمود او عقیده داشت که اين حق وکلاء است که رئيس شان را انتخاب نمايند، که بابا به آن دليل از وکالت مستعفی گرديد، رژيم که در پی فرصت و جست جوی بهانه بود بالاخره در ( 15 سنبله 1312 ش - 6 جولای 1933 م) بعد از حمله محمد عظيم منشی زاده به سفارت بریتانیه « شه باز» \* { بقول از طره باز خان} بابا را هم به زندان انداختند که 13 سال را در سرای موتی و ده مزنگ در غل و زنجير گذرانيد.

" **عبد العزيز** ( محرر روز نامه « طلوع افغان» نماينده قندهار) که بر ضد لگام گسيختگی های شاه برآمده بود، به 13 سال زندان محکوم گرديد و بهای بس سنگيني به خاطر آن پرداخت. حکومت همچنان گرفتن امضاء های نمايندگان را « به سود» نامزدی عبدالاحد ماهيار سازماندهی کرد. مگر تنها 26 نفر از 97 تن قاطعانه از اين کار خود داری نمودند. اين آدم های بی باک، رييس جديد التقرر را به آن متهم کردند که: او به نمايندگی از شورای ملی موافقت نامه پی را به امضا رسانيده است مبنی بر ارايه وام از سوی بریتانیا به افغانستان - چيزی که عملاً صلاحيت اين کار را از سوی نمايندگان شورا نداشت." 3

محبوبيت بابا را در بين مردم از اين ميدانيم که بعد از رهائی از زندان بار ديگر از طرف مردم برياست بلديه شهر قندهار منتخب شد. پس از عمری مبارزه، روشنگری و خدمت به مردم، اين عيار واقعي و مردم دار عزيز، افغان شجاع و بی هراس، حقگو و حقيقت نويس سترگ بابا عبدالعزيز در 1342 ش 1963 م وفات نموده نامش با نشر جريده طلوع افغان هميشه زنده جاويد باد.

د پانو شميره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

يادونه: دليکني دليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

\* - طره باز خان قوماندان پلیس دوره صدارت هاشم خان در زندان سرای موتی بر زندانیان سیاسی رژیم نعره زد که " دنیا میداند دولت بریتانیه شهپاز است و افغانستان گنجشگی. شما به این شهپاز بی احترامی کردید .." 4

او که ریاست کوتوالی ( قوماندانی امنیت ) را به عهده داشت در برابر دگر اندیشان و عناصر وطنپرست و مترقی با وحشت تمام به سرکوب و اعمال نازی مشرب می پرداخت.

خالد صدیق چرخ می نویسد: « تعدادی از زندانیان قصه های رویا رویی شان با قوماندان طره باز خان را با ما در میان می گذاشتند و از رفتار ضد انسانی او با زندانیان که مخالف تمامی موازین اخلاقی و انسانی بود حرف می زدند. بد رفتاری زبانی و فیزیکی او به حدی مخوف بود که من قادر به بیان آن با کلمات نیستم. » 5

وقتی گلوله های عبدالخالق قلب نادر خان را درید،  
این شاه در آغوش طره باز خان آخرین نفس هایش را کشید.

### مآخذ

- 1 - سید مسعود پوهنیار- ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد ، ص 65 طبع 1375 پشاور
- 2 - عبدالحی حبیبی - جنبش مشروطیت در افغانستان - ص 158
- 3 - دکتر ولادیمیر بویک - راز های سر به مهر تاریخ دیپلماسی افغانستان با گزینش و گزارش، عزیز آریانفر  
[http://www.arianfar.com/books/pdf01\\_20090620](http://www.arianfar.com/books/pdf01_20090620) ; صفحه 41.
- 4 - میر غلام محمد غبار - افغانستان در مسیر تاریخ - جلد دوم صفحه 99
- 5 - خالد صدیق چرخ - از خاطراتم - نشر اول جون 2007 چاپخانه مرتضوی - کلمن المان.



دکتر اسدالله شعور معتقد است که مطبوعات این دوره (دوره امان الله خان) در پرورش یک نسل آزادیخواه و مبارز کمک کرد نسلی که در سالهای بعد وقتی آزادی های مدنی سلب شد، نمایندگان آن برای بازگرفتن آن آزادی ها زندگی شان را قربانی کردند: "با سقوط دولت امانی همین روشنفکران تحت تأثیر همان تبلیغات، تحت تأثیر همان مطبوعات با چه جان فشانی هایی برای حفظ دموکراسی و برای بازگشت دموکراسی عمل می کنند که حتی صدها جوان را می بینیم که از زنده گی خود و فامیل خود می گذرند".



دکتر اسدالله شعور با حضرت نجم العرفا استاد حیدری وجودی

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ